

## رابطه سبک‌های دلبستگی با راهبردهای حل تعارض فرزندان نسبت به والدین

دکتر مژگان سپاه منصور\*

دکتر سوزان امامی پور\*\*

ساناز حسن زاده فرشید\*\*\*

### چکیده

در پژوهش حاضر، رابطه سبک‌های دلبستگی با راهبردهای حل تعارض فرزندان- والدین (پدر و مادر) مورد بررسی قرار گرفت. برای این منظور، تعداد ۱۵۰ دانشجو (۷۵ پسر و ۷۵ دختر) به طریق نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه‌های سبک‌های دلبستگی کولینز و رید (۱۹۹۰)، راهبردهای حل تعارض فرزندان- والدین اشتراس (۱۹۹۰) استفاده شد. پژوهش حاضر از نوع همبستگی بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های آماری از روش‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل واریانس چند متغیری بهره‌بردار شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بین راهبردهای حل تعارض استدلال پدر و مادر با سبک دلبستگی ایمن رابطه مثبت معنا دار اما با سبک دوسوگرا رابطه منفی معنا دار وجود دارد. راهبردهای حل تعارض پرخاشگری کلامی و فیزیکی پدر و مادر با سبک ایمن رابطه منفی معنا دار اما با سبک دوسوگرا رابطه مثبت معنا دار دارد. بین سبک‌های دلبستگی و راهبرد های حل تعارض با پدر و مادر در دانشجویان پسر و دختر تفاوت معنا دار وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های دلبستگی، راهبردهای حل تعارض فرزندان و والدین.

Email: drsepahmansour@yahoo.com

Email: emamipoursd@yahoo.com

Email: saniazi20052000@yahoo.com

\* استادیار گروه روانشناسی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی

\*\* استادیار گروه روانشناسی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی

\*\*\* کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی



خانواده کوچکترین رکن اجتماعی است که از خانواده های سالم تشکیل شده باشد، شرط این که خانواده ای سالم باشد، این است که افراد آن سالم باشند. بنابراین، برای بهبود وضع اجتماعی، تلاش برای بهبود وضع خانواده و افراد آن مهمترین مسئله است و دلبستگی<sup>۱</sup> را می توان یک الگوی رفتاری خاص در نظر گرفت که در اکثر جوامع برای رشد سالم، اهمیتی حیاتی دارد (تابع جماعت، ۱۳۸۶).

دلبستگی عبارتست از پیوند عاطفی عمیقی که با افراد خاص در زندگی برقرار می شود، طوری که باعث می گردد وقتی با آنها تعامل می کنیم احساس نشاط و شغف کرده و به هنگام استرس از این که آنها را در کنار خود داریم، احساس آرامش کنیم (برک<sup>۲</sup>، ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۱).

اساسی ترین موضوع نظریه دلبستگی این است که سبک دلبستگی در روابط آغازین بین والد- کودک به وجود می آید و روابط آینده در زندگی فرد را تحت تأثیر قرار می دهد. پژوهشهای انجام گرفته تا به امروز، نظر بالبی<sup>۳</sup> را در زمینه اهمیت تجارب اولیه در رشد الگوهای مقدماتی درونی، که تأثیر ویژه ای بر روابط افراد با دیگران دارد، تأیید می کنند (رحیمیان بوگر، ۱۳۸۵).

رشد شخصیت و بهداشت روانی جسمی ما با توانایی برقراری ارتباط با دیگران رابطه دارد، یک رابطه نارسا می تواند سلامت جسمی روانی شخص را تحت تأثیر قرار دهد (بولتون؛ ترجمه سهرابی، ۱۳۸۱). از طرفی نیز تعارض<sup>۴</sup>، بخش اجتناب ناپذیر هستی انسان است. هر زمان و هر جا که افراد دور هم جمع باشند احتمال رخداد تعارض وجود دارد (مکوبال<sup>۵</sup>، ۱۹۹۶؛ اسکات<sup>۶</sup>، ۱۹۹۹؛ به نقل از باباپور خیرالدین، ۱۳۸۱).

پژوهشها از این امر حمایت می کنند که تعارض جزئی از روابط والدین و فرزندان است و کشمکش یا نزاع میان فرزندان و والدین دور از انتظار نیست، اما باید توجه داشت که چنین امری مانع ایجاد روابط مثبت و سازگارانه بین والد و فرزند می شود (ریسچ، جکسون و چانچونگ<sup>۸</sup>، ۲۰۰۳).

به طور کلی، منبع تعارضهای میان فردی، ریشه در تفاوتهای فردی دارد، افراد از نظر نگرشها، رفتار و ساخت شخصیتی با یکدیگر متفاوتند. فهم این تفاوتها و تأثیر آنها بر چگونگی رفتار افراد بر فهم فرایند تعارض و کاهش بروز آن شده و به حل مؤثر تعارضها خواهد انجامید (هاریکوپال، ۱۹۹۵؛ به نقل از باباپور خیرالدین، ۱۳۸۱). یافته ها بیانگر این امرند که در اغلب موارد، وجود پیوندهای صمیمانه، تعارضات را تحت کنترل درآورده و احساسات مثبت را برقرار می سازد (بیابانگرد، ۱۳۸۴).

بشارت، گلی نژاد و احمدی (۱۳۸۴) در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که آزمودنی های دارای سبک دلبستگی ایمن<sup>۹</sup> نسبت به آزمودنی های دارای سبک دلبستگی نایمن<sup>۱۰</sup>، مشکلات بین شخصی کمتری دارند و همچنین، میزان

1 attachment

2 Berck

3 Bowlby

4 Bolton

5 conflict

6.Maccoby

7.Scott

8.Reisch, Jackson & Chanchong

9.secure attachment style

10.insecure attachment style

مشکلات آزمودنی های دارای سبک دلبستگی اجتنابی<sup>۱</sup> از مشکلات بین شخصی آزمودنی های دارای سبک دلبستگی دوسوگرا<sup>۲</sup> کمتر است.

زابلی، ثنایی ذاکر و حمیدی (۱۳۸۳) در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که روش روان نمایشگری باعث افزایش استفاده از راهبرد استدلال<sup>۳</sup> و کاهش معنادار میزان پرخاشگری کلامی<sup>۴</sup> می شود و نیز منجر به کاهش میزان استفاده از راهبردهای پرخاشگری فیزیکی<sup>۵</sup> جهت رفع تعارض دختر و مادر می گردد. بکتاش، ثنایی ذاکر و کدیور (۱۳۸۴) در پژوهشی بیان داشتند گروه مواجهه، تعارض مادر و دخترها را کاهش داده و در بهبود ارتباط و عاطفه مثبت بین مادرها و دخترها مؤثر است. نظامی (۱۳۸۸) در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که آموزش شیوه های فرزندپروری بر راهبردهای حل تعارض با فرزندان تأثیر معنا دار دارد، به طوری که، آموزش شیوه های فرزندپروری باعث استفاده بیشتر والدین از راهبرد حل تعارض استدلال و استفاده کمتر از راهبردهای حل تعارض پرخاشگری کلامی و فیزیکی می شود.

از طرفی دیگر، سبکهای دلبستگی، تعیین کننده قواعد عاطفی، شناختی و راهبردهایی هستند که واکنشهای هیجانی را در افراد و روابط بین شخصی هدایت می کنند. افراد ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برای نظم دهی و پردازش اطلاعات هیجانی راهبردهای متفاوتی را به کار می برند (شاور، کولینزو کلارک<sup>۶</sup>، ۱۹۹۶). افراد دارای سبک دلبستگی ایمن برای نظم دهی به هیجانها از راهبردهایی سود می جویند که تنیدگی را به حداقل می رسانند و هیجانهای مثبت را فعال می سازند (میکولینسر و فلورین<sup>۷</sup>، ۲۰۰۱).

فولام<sup>۸</sup> (۲۰۰۲؛ به نقل از رابط، ۱۳۸۷) در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که افراد با دلبستگی ایمن در شمار متعددی از وظایف و ارتباطات شامل ارتباطات میان فردی، حل مشکلات اجتماعی، رویارویی با تنیدگی ها، سلامت جسمانی و روانی بسیار مستعد و موفق می باشند. لاولر رو<sup>۹</sup> و دیگران (۲۰۰۶) در پژوهشی دریافتند افراد با سبک دلبستگی ایمن، در روابط بین فردی، هیجان مثبت بیشتری ابراز کردند.

بشارت، شریفی و ایروانی (۱۳۸۰) مطرح می سازند آزمودنی های دارای سبک دلبستگی نا ایمن بیشتر از آزمودنی های دارای سبک ایمن از مکانیسم های دفاعی رشدنیافته روان رنجور استفاده می کنند و آزمودنی های دارای سبک دلبستگی نا ایمن دوسوگرا بیش از آزمودنی های دارای سبک دلبستگی نا ایمن اجتنابی از مکانیسمهای دفاعی رشد نیافته و روان رنجور استفاده به عمل می آورند. بشارت و شالچی (۱۳۸۶) در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که بین سبکهای دلبستگی و راهبردهای مقابله با تنیدگی رابطه وجود دارد، بدین ترتیب که سبک دلبستگی ایمن با سبکهای مقابله مسئله محور، همبستگی مثبت دارد، در حالی که با سبک هیجان محور همبستگی منفی دارد. سبک دلبستگی اجتنابی با سبک مقابله مسئله محور و سبک مقابله هیجان محور همبستگی منفی و سبک دلبستگی

- 1.avoidance attachment style
- 2.ambivalent attachment style
- 3.reasoning
- 4.verbal aggression
- 5.physical aggression
- 6 Shaver,Collins, &Clark
- 7.Mikulincer&Florian
8. Fulam
9. Lawler-Row

دوسوگرا با سبک مقابله هیجان محور همبستگی مثبت دارد. کسکین<sup>۱</sup>(۲۰۰۸) در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که بین سبک دلبستگی ایمن و مشکلات ارتباطی، رابطه منفی و بین سبک دلبستگی نا ایمن با مشکلات ارتباطی و نگرش منفی به والدین رابطه مثبت وجود دارد.

پس به عبارتی می توان انتظار داشت که فرزندان دلبسته ایمن در هنگام تعارض با والدین، بیشتر راهبرد حل تعارض استدلال را به کار گیرند زیرا مشخصه والدینی که با دلبستگی ایمن ارتباط دارند تحت عناوینی مانند گرمی، حامی بودن، ملایمت داشتن توصیف می شوند. والدین کودکانی که دلبسته ایمن هستند به هنگام راهنمایی کودک با لحن آرامی با آنان حرف می زنند و در موقع مناسب رفتار کودک را با حرفهای مطلوب تحسین می کنند که این امر به نوبه خود امکان استفاده از راهبرد حل تعارض استدلال را در طرفین افزایش می دهد (لوندرویل و مین<sup>۲</sup>، ۱۹۸۱؛ به نقل ماسن و دیگران؛ ترجمه یاسایی، ۱۳۸۰).

با توجه به مطالب فوق مسئله اساسی در پژوهش حاضر این است بین سبکهای دلبستگی با راهبردهای حل تعارض فرزندان نسبت به والدین چه رابطه ای وجود دارد؟

## روش

جامعه پژوهش حاضر متشکل از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی بود که در دوره کارشناسی در سال تحصیلی ۸۷-۸۸ مشغول به تحصیل بودند. با توجه به این که پژوهش حاضر از نوع همبستگی است و از آنجا که در پژوهشهای از نوع همبستگی، حداقل حجم نمونه ۵۰ نفر برای بیان چگونگی رابطه ضرورت دارد (دلاور، ۱۳۸۳) لذا حجم نمونه ۱۵۰ نفر انتخاب شد که ۷۵ دانشجوی پسر و ۷۵ دانشجوی دختر را شامل شدند. روش نمونه گیری در این پژوهش، روش نمونه گیری چند مرحله ای بود.

بر این اساس ابتدا از بین واحد های دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی به صورت تصادفی دانشکده های ادبیات و علوم انسانی، اقتصاد و حسابداری، روانشناسی و علوم اجتماعی، مدیریت، هنر و معماری انتخاب شده و از هر دانشکده ۳۰ نفر (۱۵ پسر و ۱۵ دختر) انتخاب شدند.

ابزارهای پژوهش حاضر عبارتند از:

الف) مقیاس سبک دلبستگی کولینز و رید<sup>۳</sup> (۱۹۹۰)، این مقیاس شامل خود ارزیابی ایجاد روابط و خود وصفی شیوه شکل دهی روابط دلبستگی نسبت به نگاره های دلبستگی نزدیک است و ۱۸ ماده دارد که از طریق علامت گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه ای از نوع لیکرت (از به هیچ وجه با خصوصیات من مطابقت ندارد=۱، تا با خصوصیات من کاملاً مطابقت دارد=۵، تشکیل شده است) سنجیده می شود. هر خرده مقیاس متشکل از ۶ ماده است، خرده مقیاسها عبارتند از: دلبستگی ایمن، دلبستگی اجتنابی و دلبستگی دوسوگرا (به نقل از مزرعه شاهی، ۱۳۸۴). پژوهشهای متعدد پایایی قابل قبولی را برای این مقیاس با استفاده از شیوه آزمون مجدد به دست داده اند، به طور مثال، ثبات آزمون مجدد ۰/۷۰ برآورد شده است. پاکدامن (۱۳۸۰) نیز برای دستیابی به پایایی این آزمون ۱۰۰

1.Keskin  
2.Londerville &main  
3.Collins&Read

نفر دانش آموز (۵۰ دختر و ۵۰ پسر) سال دوم دبیرستان با سن حدود ۱۵/۵-۱۶/۵ سال که به طور تصادفی انتخاب شده بودند را به فاصله یک ماه توسط مقیاس دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید مورد آزمون قرار داد و با توجه به همبستگی بالا بین دو نوبت، ضریب قابلیت اعتماد را کافی دانست. همچنین، وی با بررسی میزان همبستگی سه خرده مقیاس این مقیاس روی ۱۰۰ نفر (۵۰ پسر و ۵۰ دختر) کلاس دوم دبیرستان (که در بررسی قابلیت اعتماد مقیاس مورد نظر قرار گرفته بود) به روایی واگرا<sup>۱</sup> که نوعی روایی سازه است، دست یافت که نشان می دهد سه خرده مقیاس، سه محتوای متفاوت از دلبستگی را می سنجد (به نقل از سلاجقه، ۱۳۸۶).

در پژوهش حاضر به منظور محاسبه اعتبار آزمون سبکهای دلبستگی، ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از سبکهای دلبستگی محاسبه شد و نتایج برای سبک ایمن (۰/۶۲۹)، برای سبک اجتنابی (۰/۵۴۲) و برای سبک دوسوگرا (۰/۸۲۴) به دست آمد.

ب) مقیاس راهبرد های حل تعارض با پدر و مادر اشتراس<sup>۳</sup> (۱۹۹۰)، این مقیاس، یک ابزار ۱۵ سئوالی است که برای سنجش سه راهبرد حل تعارض یعنی (استدلال، پرخاشگری کلامی، پرخاشگری فیزیکی یا خشونت) بین فرزندان و والدین تدوین شده است. پرسشهای مقیاس، گویای رفتارهایی است که فرد در شرایط تعارض با والدین به آنها دست می زند و نمرات آن تعداد دفعاتی است که رفتار مورد نظر در سال گذشته رخ داده است. پاسخ دهنده دفعات بروز هر رفتار توسط خودش و طرف دیگر تعارض را ارزیابی می کند. این ابزار دارای سه خرده مقیاس استدلال، پرخاشگری کلامی و پرخاشگری فیزیکی است که برای خود فرد و برای طرف دیگر تعارض به دست می آید. در مورد اعتبار آزمون، شش کار پژوهشی، همگونی درونی خرده مقیاسهای استدلال، پرخاشگری کلامی و پرخاشگری فیزیکی را تأیید می کند. دامنه ضریب آلفا برای خرده مقیاس استدلال از ۰/۴۲ تا ۰/۷۶ و برای خرده مقیاس پرخاشگری کلامی از ۰/۶۲ تا ۰/۸۸ و برای خرده مقیاس پرخاشگری فیزیکی از ۰/۴۲ تا ۰/۹۶ است. همگونی درونی خرده مقیاس استدلال کمتر به نظر می رسد. روایی مقیاسهای راهبردهای حل تعارض بارها مورد تأیید قرار گرفته است. اول از همه این که چندین کار پژوهشی ساختار عوامل استدلال، پرخاشگری کلامی، پرخاشگری فیزیکی را تأیید می کنند. توافق اعضای مختلف خانواده در مورد راهبردهای حل تعارض گواه بر روایی همزمان است. به نظر نمی رسد مقیاسهای مورد بحث با مطلوبیت اجتماعی همبستگی داشته باشد. همچنین، اطلاعات زیادی درباره روایی سازه از جمله همبستگی بین نمرات راهبردهای حل تعارض و عوامل ریسک خشونت خانواده، رفتارهای ضد اجتماعی کودکان قربانی، سطوح محبت بین اعضای خانواده و عزت نفس به دست آمده است (ثنائی ذاکر، ۱۳۷۹).

در پژوهش حاضر اعتبار با استفاده از ضرایب آلفای کرونباخ، برای راهبرد های حل تعارض با پدر؛ استدلال ۰/۷۷۶، پرخاشگری کلامی ۰/۷۱۰، پرخاشگری فیزیکی ۰/۸۶۵ و راهبرد های حل تعارض خود؛ استدلال ۰/۷۳۲، پرخاشگری کلامی ۰/۷۶۰، پرخاشگری فیزیکی ۰/۸۸۹ و برای هر یک از راهبردهای حل تعارض با مادر؛ استدلال ۰/۷۵۷، پرخاشگری کلامی ۰/۷۶۸، پرخاشگری فیزیکی ۰/۸۷۳ و راهبرد های حل تعارض خود؛ استدلال ۰/۷۲۰، پرخاشگری کلامی ۰/۷۳۱، پرخاشگری فیزیکی ۰/۹۱۱ محاسبه شد.

1. discriminant validity  
2. construct validity  
3. Straus

## یافته ها

فرضیه ۱: بین سبک های دلبستگی فرزند با راهبرد های حل تعارض با والد رابطه وجود دارد. ضرایب همبستگی پیرسون بین نمرات سبک های دلبستگی با راهبرد های حل تعارض با والد محاسبه شد. نتایج در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱ - ضرایب همبستگی نمرات سبک های دلبستگی با راهبرد های حل تعارض پدر و مادر

والد	راهبرد های حل تعارض	سبک ایمن	سبک اجتنابی	سبک دو سوگرا
	استدلال پدر	۰/۳۵**	۰/۱۴	-۰/۲۱**
	استدلال خود	۰/۳۹**	۰/۱۶*	-۰/۲۵**
پدر	پرخاشگری کلامی پدر	-۰/۲۲**	-۰/۱۵	۰/۲۰*
	پرخاشگری کلامی خود	-۰/۲۲**	-۰/۱۶*	۰/۱۵
	پرخاشگری فیزیکی پدر	-۰/۳۶**	-۰/۲۶**	۰/۲۸**
	پرخاشگری فیزیکی خود	-۰/۳۴**	-۰/۱۳	۰/۱۸*
	استدلال مادر	۰/۳۳**	۰/۲۷**	-۰/۳۲**
	استدلال خود	۰/۳۷**	۰/۲۴**	-۰/۲۹**
مادر	پرخاشگری کلامی مادر	-۰/۱۷*	-۰/۱۰	۰/۱۳
	پرخاشگری کلامی خود	-۰/۱۹*	-۰/۱۸*	۰/۰۹
	پرخاشگری فیزیکی مادر	-۰/۲۸**	-۰/۲۱*	۰/۲۳**
	پرخاشگری فیزیکی خود	-۰/۳۴**	-۰/۱۳	۰/۲۱**

\*\* =  $P < 0.01$  \* =  $P < 0.05$

همان طور که در جدول (۱) مشخص می شود راهبرد های حل تعارض استدلال پدر و مادر با سبک ایمن رابطه مثبت معنا دار اما با سبک دو سوگرا رابطه منفی معنا دار دارد، راهبرد های حل تعارض پرخاشگری کلامی و فیزیکی پدر و مادر با سبک ایمن رابطه منفی معنا دار اما با سبک دو سوگرا رابطه مثبت معنا دار دارد.

فرضیه ۲: سبک های دلبستگی در دانشجویان دختر و پسر متفاوت است.

با توجه به تاثیر متغیر جنس بر نمرات متغیرهای وابسته سبک های دلبستگی از آزمون تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA) استفاده شد. ابتدا آزمونهای معنادار بودن MANOVA (پیلایسی - بارتلت<sup>۱</sup>، لامبدای ویلکز<sup>۲</sup>، اثر هتلینگ - لالی<sup>۳</sup> و بزرگترین ریشه روی<sup>۴</sup>) به منظور بررسی اثر اصلی عامل جنس روی متغیرهای وابسته سبک های دلبستگی انجام شد. نتایج آزمونهای معناداری MANOVA در جدول (۲) ارائه شده است.

1-Pillali-Bartlett Trace  
1-Wilks' Lambada  
2-Hotelling-Lawley Trace  
3-Roy's Largest root

جدول ۲ - نتایج آزمونهای معناداری MANOVA برای اثر اصلی جنس روی سبک های دلبستگی

آزمون	ارزش	F	سطح معنا داری
پیلایی - بارتلت	۰/۰۶۸	۰/۸۳	۰/۶۲
لامبدای ویلکز	۰/۹۳	۰/۸۳	۰/۶۲
هتلینگ - لالی	۰/۰۷	۰/۸۳	۰/۶۲
روی	۰/۰۷	۰/۸۳	۰/۶۲

همان طور که در جدول (۲) مشاهده می شود، آزمونهای معنا داری MANOVA در رابطه با عامل جنس در سطح ۰/۰۵ معنا دار نیست. بنابراین، بین سبک های دلبستگی دختران و پسران تفاوت معنا دار وجود ندارد.

فرضیه ۳: راهبرد های حل تعارض با پدر و مادر در دانشجویان دختر و پسر متفاوت است. با توجه به تاثیر متغیر جنس بر نمرات متغیرهای وابسته راهبرد های حل تعارض با پدر و مادر از آزمون تحلیل واریانس چند متغیری MANOVA استفاده شد. ابتدا آزمونهای معنادار بودن MANOVA انجام شد. نتایج آزمونهای معناداری MANOVA در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳ - نتایج آزمونهای معناداری MANOVA برای اثر اصلی جنس روی راهبرد های حل تعارض با پدر و مادر

آزمون	ارزش	F	سطح معنا داری
پیلایی - بارتلت	۰/۰۰۶	۰/۲۷۴	۰/۸۴۴
لامبدای ویلکز	۰/۹۹۴	۰/۲۷۴	۰/۸۴۴
هتلینگ - لالی	۰/۰۰۶	۰/۲۷۴	۰/۸۴۴
روی	۰/۰۰۶	۰/۲۷۴	۰/۸۴۴

همان طور که در جدول (۳) مشخص می شود، آزمونهای معنا داری MANOVA در رابطه با عامل جنس در سطح ۰/۰۵ معنا دار نیست. بنابراین، بین راهبرد های حل تعارض با پدر و مادر در دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنا دار وجود ندارد.

## بحث

یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد، بین راهبردهای حل تعارض استدلال پدر و مادر با سبک دلبستگی ایمن رابطه مثبت معنا دار اما با سبک دوسوگرا رابطه منفی معنا دار وجود دارد. راهبردهای حل تعارض پرخاشگری کلامی و فیزیکی پدر و مادر با سبک ایمن رابطه منفی معنا دار اما با سبک دوسوگرا رابطه مثبت معنا دار دارد. همچنین، بین سبکهای دلبستگی دانشجویان پسر و دختر تفاوت معنادار وجود ندارد، بین راهبردهای حل تعارض با پدر و مادر نیز تفاوت معنا دار وجود ندارد، نتایج پژوهش با نتایج پژوهشهای مختلف در مورد رابطه سبکهای دلبستگی و راهبردهای حل تعارض فرزندان و والدین همخوانی دارد، از جمله بشارت، گلی نژاد و احمدی (۱۳۸۴) در پژوهشی

به این نتیجه دست یافتند که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن نسبت به آزمودنی های نا ایمن، مشکلات بین شخصی کمتری داشتند. همچنین، میزان مشکلات آزمودنی های دارای سبک دلبستگی اجتنابی از مشکلات بین شخصی آزمودنی های دارای سبک دلبستگی دوسوگرا کمتر بود. برخلاف پژوهش حاضر نتایج پژوهشها نشانگر آن است که تعارض با والدین در دختران و پسران متفاوت است و تعارضات بیشتر بین فرزندان و مادر است تا فرزندان و پدر، به ویژه تعارضات در بین مادران و دختران شایع تر است (هیل، ۱۹۹۸، مونتی مایر، ۱۹۸۶، پالکوف و بروکس گان، ۱۹۹۱؛ به نقل از آلیسون و جرلین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴) و بالز (۲۰۰۰) عقیده دارد تعارض مادر- دختر، زمانی که دختر سنین ۱۳ تا ۱۹ سال را می گذراند، بیشتر تکرار می شود و تعارض مادر و دختر به دختر کم می کند تا خود را بشناسد (اسنایدومن و استریپ، ۲۰۰۲؛ ترجمه اکرمی، ۱۳۸۶). شاید یکی از دلایل عدم همخوانی نتایج پژوهش حاضر با این نتایج به خاطر گروه سنی نمونه پژوهش است که متشکل از دانشجویانی است که آنها در این سنین، دوران نوجوانی را پشت سر گذاشته اند.

دستجردی، خزاعی و سعادتجو (۱۳۸۳) در پژوهشی عواملی چون فشار برای ورود به دانشگاه، مراقبت و کنترل بیش از حد اشتباهات، خرده گیری نسبت به پوشش و نحوه آرایش سو و وضع ظاهری، ممانعت از دیدن و شنیدن سی دی ها و نوارهای موسیقی، مشاجره در خصوص رفت و آمدها و روابط با دوستان، ممانعت از فعالیتهای مختلف به خاطر پیشرفت درسی، کنترل و ارتباط با جنس مخالف را مهمترین عوامل ایجادکننده تعارضات بین نوجوانان و والدین آنها دانسته اند.

به طور کلی، مشخصه والدینی که با دلبستگی ایمن ارتباط دارند تحت عناوینی مانند گرمی، حامی بودن و ملایمت داشتن توصیف می شود و در هنگام راهنمایی کودک با لحن آرامی با آنان حرف می زند و در موقع مناسب رفتار کودک را با حرفهای مطلوب تحسین می کنند، بنابراین، انتظار می رود که فرزندان دلبسته ایمن، در هنگام تعارض بیشتر راهبرد حل تعارض استدلال را به کار گیرند (لوندرویل و مین، ۱۹۸۱؛ به نقل از ماسن و دیگران؛ ترجمه یاسایی، ۱۳۸۰).

انسین، شرمین و کلارک<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که رابطه صمیمی با والدین رابطه منفی با تعارض با والدین دارد. از طرفی نیز سبک های دلبستگی، تعیین کننده قواعد عاطفی و شناختی و راهبردهایی هستند که واکنشهای هیجانی را در افراد و روابط بین شخصی هدایت می کنند و افراد ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برای نظم دهی و پردازش اطلاعات هیجانی راهبردهای متفاوتی را به کار می برند (شاور، کولینز و کلارک، ۱۹۹۶).

از آنجا که وجود تعارض در هر رابطه و به خصوص در رابطه والد - فرزند اجتناب ناپذیر است لذا در این راستا راهبردهایی از قبیل؛ مثبت اندیشی، انعطاف پذیری، پرهیز از مقایسه، مورد بحث قرار دادن مسایل و مشکلات، صداقت در بیان تقاضا به طرف مقابل، احترام متقابل، قبول اشتباهات خویش را می توان پیشنهاد داد (کول؛ ترجمه آل یاسین، ۱۳۸۲).



با توجه به این که نتایج پژوهش حاکی از رابطه معنادار بین سبکهای دلبستگی و راهبردهای حل تعارض فرزندان است، پیشنهاد می شود که بررسی تأثیر سبکهای دلبستگی فرزندان و راهبردهای حل تعارض فرزندان با والدین با عوامل دیگری نظیر پیشرفت تحصیلی، مهارت اجتماعی و راهبردهای مقابله ای و پرخاشگری و... انجام گیرد.

## منابع

- اسنایدرمن، نانسی و استریپ، پک (۱۳۸۶). کلیدهای شناخت و رفتار با دخترها. ترجمه اکرم اکرمی. تهران: صابرین.
- باباپورخیرالدین، جلیل (۱۳۸۱). بررسی رابطه بین شیوه حل مسئله، شیوه حل تعارض و سلامت روانشناختی در میان دانشجویان. پایان نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- برک، لورا ای (۱۳۸۱). روانشناسی رشد (جلد اول). (ترجمه یحیی سیدمحمدی). تهران: ارسباران.
- بشارت، محمدعلی، شریفی، ماندانا و ایروانی، محمد (۱۳۸۰). بررسی رابطه سبکهای دلبستگی و مکانیسمهای دفاعی. مجله روانشناسی، پائیز ۵ (۳) (پیاپی ۱۹): ۲۷۷-۲۸۹.
- بشارت، محمدعلی، گلی نژاد، محمد و احمدی، علی اصغر (۱۳۸۴). بررسی رابطه سبکهای دلبستگی و مشکلات بین شخصی. فصلنامه روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، شماره ۳۲.
- بشارت، محمدعلی و شالچی، بهزاد (۱۳۸۶). سبکهای دلبستگی و مقابله با تنیدگی. فصلنامه روانشناسان ایرانی، سال سوم، شماره ۱۱.
- بکتاش، ماری و ثنایی ذاکر، باقرو کدیور، پروین (۱۳۷۴). اثر گروه مواجهه در حل تعارض مادرها و دخترهای ۱۵-۱۶ ساله تهرانی. مجله تازه ها و پژوهشهای مشاوره. ۴ (۱۵): ۹۳-۱۰۴.
- بولتون، رابرت (۱۳۸۱). روانشناسی روابط انسانی (مهارتهای مردمی): چگونه ابراز وجود کنید. ترجمه حمیدرضا سهرابی. تهران: رشد.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۴). روانشناسی نوجوانان. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- تابع جماعت، محمدرضا (۱۳۸۶). رابطه شیوه های دلبستگی با رضایتمندی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- ثنایی ذاکر، باقر (۱۳۷۹). مقیاس سنجش خانواده و ازدواج. تهران: بعثت.
- دستجردی، رضا و خزاعی، کلثوم، سعادتجو، علیرضا (۱۳۸۳). مبانی روانشناختی تعارض با والدین، از دیدگاه نوجوانان دوره متوسطه بیرجند. دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده.
- دلاور، علی (۱۳۸۳). روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی. تهران: ویرایش.
- رابط، رحیم (۱۳۸۷). رابطه بین سبکهای دلبستگی با هوش هیجانی و اضطراب امتحان در دانش آموزان پسر دوره متوسطه شهرستان ماهنشان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، دانشکده علوم اجتماعی.
- رحیمیان بوگر، اسحق (۱۳۸۵). رابطه سرسختی روانشناختی، خودتاب آوری و سبک دلبستگی با سلامت روان در جوانان و بزرگسالان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران، انیستیتو روانپزشکی تهران و مرکز تحقیقات بهداشت روان.

زابلی، پریساو ثنایی ذاکر، باقر و علی حمیدی، منصور (۱۳۸۴). سنجش سودمندی روش روان نمایشگری در بهبود مهارتهای رفع تعارض مادران با دختران دانش آموز سال اول دبیرستانهای منطقه ۲ تهران. مجله تازه ها و پژوهشهای مشاوره، شماره ۱۳.

سلاجقه، سوزان (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین سبکهای دلبستگی با اضطراب امتحان و پیشرفت تحصیلی در دختران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

کول، کریس (۱۳۸۲). کلیدهای ارتباطات. (ترجمه محمدرضا آل یاسین). تهران: هامون.

ماسن، پاول هنری و کیگان، جروم. هوستون، آلتا کارول و کانجر، جان جین وی (۱۳۸۰). رشد و شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسایی. تهران: مرکز، ماد.

مزرعه شاهی، داوود (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین کیفیت دلبستگی با سازگاری دانش آموزان دبیرستان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.

نظامی، ماندانا سادات (۱۳۸۸). اثربخشی آموزش شیوه های فرزندپروری بر راهبردهای حل تعارض فرزندان و والدین. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.

- Allison, B.N & Jearlyn, B, S (2004). Parent-adolescent conflict in early adolescence. *Journal article excerpt*: Vol.39.
- Bales, (2000). All about families. *Newsletter*. June 14. Vol, 5, Number 21.
- Ensign, J., Scherman, A. & Clark, J. (1998). the relationship for family structure and conflict to levels of intimacy and parental attachment in college student, *Adolescence*, vol.33, n.131, p575-82
- Keskin, G (2008). relationship between mental health, parental attitude and attachment style in adolescence. *Anadolu Journal of Psychiatry*. 9 (3). pp139-147.
- Lawler- Row, K., younger, J., W, Piferi, R., Jones, W. (2006). the role of adult attachment style in forgiveness following an interpersonal affiances. *Journal of counseling & development*. 84, 4, pp493-502.
- Mikulincer, M. & Florin, V. (2001). *Attachment style and affect regulation: implications for coping with stress and mental health*. In Fletcher G.J.O. & Clark, M.S. (eds). *Blackwell handbook of social psychology: Interpersonal processes* (pp537-557). oxford: Blackwell.
- Reiesch, S.K. & Jackson, N.m. & Changchong, W (2003). Communication approach to parent-child conflict: young adolescence to young adult. *Journal of Pediatric Nursing*, Vol 18(4), pp 244-256
- Shaver, P. R., Collins, N., & Clark, C. L. (1996). Knowledge structures in close relationships: *A social psychological approach*, pp. 25-61.